



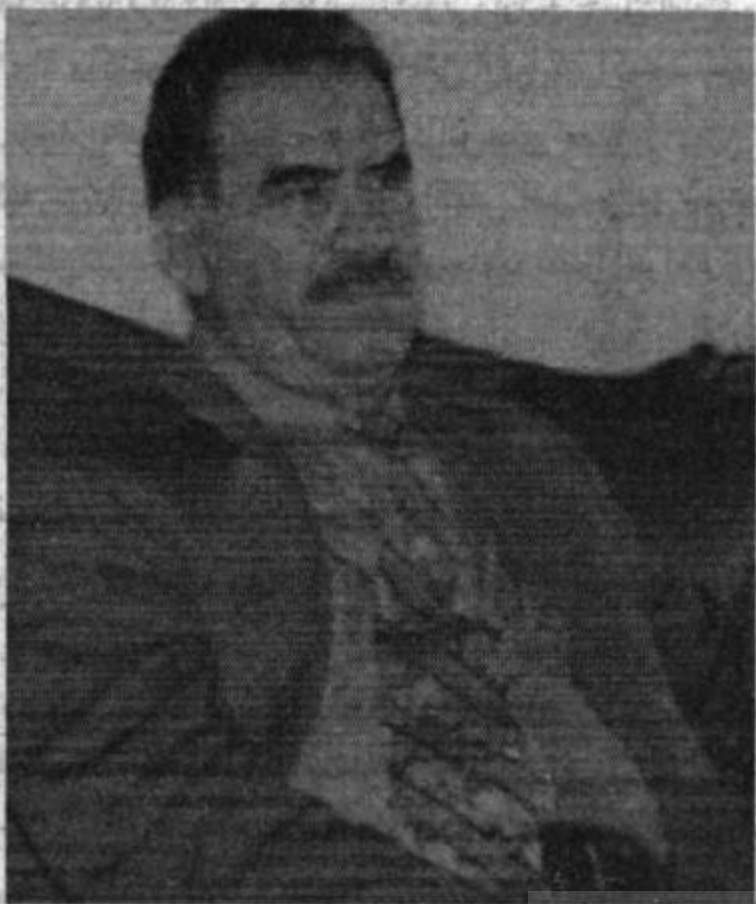
## مرد مرمه نشین

جستار ویژه‌ی شماره‌ی قبل که به تحولات P.K.K اختصاف داشت، واتاب‌ها و اظهار نظرهایی را به دنبال داشت که با توجه به شتاب‌گیری مسائل مربوط به کردهای ترکیه، گوشه‌هایی از آن را در این شماره می‌خوانیم.

از همان روز که اوجالان، رهبر کردهای ترکیه، با لبخند به استقبال مأموران فرودگاه ایتالیا رفته بود، می‌شد حدس زد که «آپو» در فرآیندی گام می‌گذارد که سرانجام‌اش چندان روشن نیست. فرآیندی که تنها حاصل‌گزینه‌ی استراتژیک وی یا حزب پ.ک.ک نیست، که زائیده‌ی شرایط نوین منطقه‌ای و جهانی است. رویکرد «گریز از باروت». امروز دیگر دو دهه‌ی پیش نیست که وقتی بوی باروت در کوچه‌های شهر و یا در دره‌های کوهستان پیچید، شامه‌نواز باشد. امروز همه جلوی بینی‌شان را می‌گیرند، چه بوی باروت اعتیاد می‌آورد. و بی‌خود نبود که «آپو» با کبوتری در دست در پس زمینه‌ای سبز و صلح‌آمیز، به جهان لبخند زد که کبوتر مگر می‌تواند با باروت نفس بکشد؟ رویکرد اوجالان و گزینه‌ی استراتژیک پ.ک.ک اگر چه حاصل شرایط نوین جهانی - منطقه‌ای بود، اما از یک ریشه‌ی عمیق درونی نیز برخوردار بود: رنج ملت کرد. فقر تاریخی مردم

کوه‌نشینی که نه تنها گرسنگی، سرما و عقب‌ماندگی اجتماعی، فرهنگی حاصل آن بود، بلکه، سرکوب‌های وحشیانه‌ی دوره‌ای در پرتو قدرت توپ و تانک و مسلسل، نه مانده‌ی توان تقلیل یافته‌ی زندگی را از آنان می‌ربود. چنین شد که اوجالان با درک رنج ملت خود، به صلح روی آورد. چریک‌هایش را از خشونت بر حذر داشت. مبارزه و میدان جنگ را به نسل دیگر وا گذاشت و سوار هواپیما شد تا پرچم آوارگی ملتش را بر دوش بکشد. همه به او «نه» گفتند. هلندی‌ها هواپیمایش را با اسکورت نظامی، از خاکشان دور کردند، آلمان تهدید به بازداشتش کرد. ایتالیا به ترکیه اطمینان داد که به اوجالان پناهندگی نخواهد داد. کویت ورودش را تکذیب کرد. روسیه اوجالان را نپذیرفت و... آپو چریک‌هایش را به مقاومت فرا می‌خواند و در همان حال می‌گوید: ما جنگ نمی‌خواهیم... ما به دنبال راه حلی سیاسی برای ملت کرد هستیم، او از کشورهای اروپایی خواست در سیاست‌هایشان نسبت به مسأله‌ی کردها تجدیدنظر کنند و اعلام کرد شخصاً آماده است در هر دادگاه بین‌المللی شرکت کند. اما «ترس از بوی باروت» حتماً شاخه‌های زیتون آپو را، استتار چریکی قلمداد می‌کرد و تک‌تیر صلح اوجالان را به شلیک مسلسل کلاشینکف در دره‌های کردستان تعبیر کرد. فی‌العجب! مگر در کوزوو، همین چند قدمی کردستان همین بوی باروت چریک‌ها، استقلال طلب نبود که اروپای صلح‌اندیش و حقوق بشری را به واکنش واداشت تا با تهدید هوایی ناتو، صرب‌ها را به پای میز صلح بکشانند. شاید باروت سیاه‌گردها بدبوتر است. اوجالان سرباز پیری که دو دهه در کوهستان‌های ترکیه و سوریه چشم انتظار صلح و آزادی برای مردمش مانده بود، اکنون به صفحات تلویزیون و مطبوعات قدم گذاشت و با همان خشونت و صداقت نژادی‌اش از اروپایی‌ها کمک خواست. چند بار به روسیه رفت، شاید «دودی از کُنده برخیزد»، اما دید نه این نیم‌مرده‌ی بیخود «سخت‌جانی» می‌کند و در همان حال از خطراتی که تهدیدش می‌کرد به‌خوبی آگاه بود. آپو از هوادارانش خواست رهایش نکنند و برای یافتن پناهگاهی برای او تلاش نمایند. اشلپیگل نوشت اوجالان به شدت مردد است. زیرا بیم آن می‌رود که از سوی نیروهای امنیتی موساد و یا ترکیه ربوده شود. اوجالان از یونان خواست به تقاضای پناهندگی‌اش رسیدگی کند و دولت روسیه را به خاطر مخالفت با ابتکار عمل دومای این کشور سرزنش کرد. از سوی دیگر پس از ماه‌ها کشمکش داخلی سرانجام دولت سوسیالیست اجویت سرکار آمد. دولت سوسیالیستی که پیش‌تر اونیفورم ژنرال‌های ارتش ترکیه را ترجیح می‌دهد. اجویت نخستین اولویت‌اش را حل مسأله‌ی کردها به شکل مورد نظر خود می‌دانست و وعده داد که اوجالان را به ترکیه خواهد آورد. رادیو حزب کارگران کردستان ترکیه گفته بود دولت جدید ترکیه خواستار همکاری سازمان جاسوسی آمریکا و اسرائیل برای شناسایی محل اقامت جدید اوجالان شد. و آن شب وقتی شبکه‌های ماهواره‌ای صورت زخمی و خسته‌ی اوجالان را بر صفحات جهانی‌شان نشان دادند، ذهن‌ها یک‌باره خاطره‌ی آدم‌ربایی‌ها و قتل‌های مأموران موساد را در دهه‌ی ۸۰ به یاد آوردند. آن‌جا که از صحنه‌ی شلیک شبانه مسلسل

به بدن فرمانده بزرگ فلسطین ابوجهاد فیلم برداری کردند. حالا دیگر اوجالان در دست ترک‌هاست، اما توپ هم در زمین آنهاست. آیا ترکیه مهارت شوت کردن را خواهد داشت؟ اروپا حالا خیال خودش را راحت کرد و می‌تواند پشت سر هم ژست انسان‌دوستانه بگیرد. و ترکیه را بر رعایت حقوق بشر و تشکیل دادگاهی عادلانه فرا بخواند و حتا فشار جدی تری وارد سازد. اما می‌داند که پس از این، مشکل، مشکل، مشکل ترکیه است اما همه‌ی مسأله دنیای سیاست‌سازان نیست. دنیای انسان‌ها هم هست. روزنامه‌ها نوشتند کردها اروپا را به آتش کشیدند و چندین نفر در جریان درگیری‌ها و اعتراض‌ها زخمی و کشته شدند. ده‌ها تن خودسوزی کردند و تمام شهرهای ترکیه برای مقابله با اعتراض‌های کردها به حال آماده‌باش درآمدند. جدای از آن‌که سرانجام اعتراض کردها در اروپا و ترکیه به کجا بیانجامد، ترکیه بازی خطرناکی را آغاز کرده است. اجویت در عین حالی که گوشه چشمی به اروپا دارد و سعی می‌کند روابطش را با اروپایی‌ها تیره نسازد در همان حال به زعم خود می‌کوشد مسأله‌ی کردها را به‌طور ریشه‌ای حل کند در همان روزهای پس از ربودن اوجالان ارتش ترکیه حملات سختی را در کردستان این کشور و شمال عراق علیه کردهای کشورش آغاز کرد دولت سوسیالیست ترکیه می‌کوشد از این شرایط بیش‌ترین بهره‌ها را ببرد حال پ.ک.ک که خود را گسترده‌ترین جنبش نظامی منطقه می‌پنداشت، ضربه‌ی هولناکی را متحمل شده است و طبیعی است که وقتی ضربه کاری باشد تا حدی تعادل بهم خواهد خورد. خطر انشعاب خطر تمرد و حتا خطر حرکت‌های خودسرانه و ژنرال‌های ترک به همین دلیل است که می‌کوشند در این شرایط ضربه‌ی نظامی و روانی‌شان را کاراتر کنند. از یک طرف در مجلس ترکیه بحث از صدور امان‌نامه برای چریک‌های تسلیم شده می‌شود و از طرف دیگر اجویت مدعی است که با برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی در کردستان ترکیه به جنگ ریشه‌ها می‌رود. ریشه‌ی معضل کردستان البته شاید شرایط جدید ترک‌ها را واقع‌بین‌تر کند. بپذیرند که مردمی وجود دارند به نام «کرد» اجویت قبل از دستگیری اوجالان ابراز نگرانی کرده بود که قصد اوجالان از اقامت در روسیه یا روسیه‌ی سفید یا جای دیگر اروپا تبدیل پ.ک.ک به یک حرکت سیاسی و استفاده از امکانات تبلیغاتی در اروپاست. این رویکرد خوشایند اجویت نبود. در آن صورت با چه بهانه‌ای ژنرال‌هایش با تانک‌ها در کردستان رژه بروند. جولان اوجالان در اروپا با همان شکل و شمایل برای اروپایی‌هایی که دیگر از آدم‌هایی که بوی باروت می‌دهند می‌گریزند اصلاً خوشایند نبود. احزاب سوسیالیست و دمکرات حاکم بر اروپا که وقتی در نقش اپوزیسیون ظاهر می‌شوند فداییان حقوق بشرند، این بار در نقش احزاب حاکم خم به ابرو نیاوردند تا این‌که اوجالان با چشمان بسته وارد جزیره‌ی «ایمرالی» شد و محل زندان وی منطقه‌ی ممنوعه اعلام شد. تردیدهای اروپایی‌ها قابل درک بود. مگر سرنوشت یک اقلیت قومی کوچک جهان‌سومی، آن‌هم با مشی رادیکال، چه اهمیتی داشت که باعث تیرگی روابط با ترکیه‌ی عضو ناتو و حتا آمریکا شود. آمریکا، به‌طور صریح پ.ک.ک را یک گروه تروریستی



می‌دانست و خواستار استرداد اوجالان به ترکیه بود. واقعیت آن است که فشارهای ایالات متحده بر اروپایی‌ها نقش مهمی در تردید اروپایی‌ها داشت. اروپایی‌ها اگر دوراندیش‌تر بودند می‌توانستند نقش فعال‌تری در معضل کردستان ترکیه بازی کنند. واقعیت آن بود که جدا از پیشروی‌ها و موقعیت‌های سریع پ.ک.ک در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ ترک‌ها با انعقاد قرارداد با اسرائیل به استراتژی جدیدی روی آوردند که از تجربه‌ی آمریکایی‌ها در جریان جنگ ویتنام حاصل شده بود؛ خالی کردن روستاهای گردنشین و محصور ساختن روستاییان در کلبه‌های قلعه‌مانندی که اطرافش کاملاً خالی از سکنه است. این کار به قطع رابطه‌ی چریک‌ها با مردمش منتهی می‌شود و پدیده‌ی است که ماهی بدون آب زنده نخواهد ماند! این استراتژی مانع از پیشروی و عملیات چریک‌های پ.ک.ک شد و فشار جنگ منجر به آن شد که آپو به «خودمختاری»، و نه «استقلال»، با شرط تضمین حقوق کردها تن داد و این سرآغاز فرآیند جدید بود. از همان وقت اروپا باید کردها را درمی‌یافتند. بیش از ۵۰۰ هزار کرد در کشورهای اسکانديناوی، آلمان و هلند زندگی می‌کنند و این جمعیت می‌تواند برای آن‌ها مشکل‌ساز باشد. معضل کردها به یکی از محوری‌ترین بحث‌های مطبوعات ایرانی و احتمالاً جهانی تبدیل شده است. حالا اروپایی‌ها با خیال راحت، هم می‌خواهند پاسخ‌گوی افکار عمومی کشور خودشان باشند و هم کردهای کشورشان را آرام سازند. اتحادیه‌ی اروپا در نشستی فوق‌العاده خواستار حضور ناظران بین‌المللی در جریان محاکمه‌ی اوجالان شده و در همان حال اعلام شد که هیأتی از اروپا برای بررسی وضعیت اوجالان وارد ترکیه شده و سازمان‌های حقوق بشر جهانی فشار سنگینی را بر دولت ترک وارد می‌سازند. دوماً روسیه از یلتسین خواست مسأله‌ی اوجالان و کردها را در سازمان ملل مطرح کند. یونان از اروپا

# فرجام P.K.K.

## در گفت و گویی با کارشناسان

دکتر پیروز مجتهدزاده

مدیر مؤسسه مطالعاتی اروپای شرقی

و خاور میانه در لندن

◇ با توجه به تنش‌های موجود بین یونان و ترکیه، چگونه یونان در دستگیری اوجالان همکاری ترکیه شد؟

من خودم وقتی این مسأله را شنیدم تعجب کردم. توجیهی که به آن رسیدم این بود که یونان عضو ناتو است و لاجرم بایستی مقداری حرف شنوی از آمریکا داشته باشد. دوم این که، یونان به حدی دچار مشکلات و درگیری با ترکیه است که نخواسته چیز دیگری به آن اضافه کند. این احتمال، از آنجایی که ترکیه دیدی متمصبانه دارد، تقویت می‌شود. یونان می‌خواسته تا هم، آمریکا را خوشحال کند و هم خود را از دردسر دیگری آزاد کند. در این میان یک اشتباه محاسبه توسط اوجالان عملی شد. واقعیت این است که یونان یک کشور اروپایی است و در سیاست‌های خود نیز به هیچ وجه دچار احساسات نیست.

◇ علل همکاری و حمایت آمریکا از ترکیه در مقابل را در چه می‌بینید؟

آمریکا حساسیت ترکیه را در ارتباط با P.K.K. درک می‌کند و بنابراین به ترکیه کمک می‌کند تا اهداف مورد نظر خود را در منطقه‌ی جنوب شرقی اعمال کند. البته حتی آمریکا که نزدیک‌ترین متحد ترکیه است؛ به‌طور کامل با ترکیه هماهنگ نیست به‌طوری‌که در چند مورد هم به‌گردها کمک کرده است.

◇ وقایع اخیر چه بازتاب تبلیغی‌ای برای ترکیه داشته است؟

در برخورد با این قضیه، ترکیه خط بطلان بر تمام تبلیغات می‌کشد. این کشور چندین سال است که خود را دمکراتیک نشان می‌دهد. با این همه از بنیان‌های دمکراسی بسی دور است. نحوه‌ی بازداشت اوجالان و برخوردهای بعدی با آن می‌تواند وضعیت دمکراسی در ترکیه را بیان کند. دمکراسی آخرین چیزی است که در ترکیه پیاده می‌شود. تنها نتیجه‌ای که ترکیه از نظر تبلیغات جهانی به‌دست آورد، توجه جهانیان به این تناقض بود.

◇ برای اوجالان و حزب او چگونه؟

این واقعه به نفع اوجالان و P.K.K. تمام شد. چرا که اگر فرض کنیم تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان، اوجالان و P.K.K. را می‌شناختند، اکنون بیش از ۸۰ درصد از مردم جهان آن‌ها را می‌شناسند.

خواست در قضیه‌ی اوجالان دخالت کند. ایتالیا نیز خواهان اقدام جدی‌تر اروپا شد و روزنامه‌ها نوشتند: اوجالان، ترکیه را در مقابل اروپا قرار داد. و واقعیت کنونی ترکیه چنین است:

۱. واکنش آرام و رضایت‌بخش اروپا که اکنون به سمت شدت‌یابی اعتراض جدی‌تر و نگرانی‌های عمیق‌تر پیش می‌رود ترکیه می‌داند که اروپا ناچار به واکنش است و می‌خواست که اجویت صریحاً اعلام کند دادگاه اوجالان علنی خواهد بود و هزینه‌های مخالف حکم اعدام هستند.

۲. واکنش تند و توفانی گردهای جهان که ممکن است روبه خاموشی رود ولی با هر جرقه‌ای ممکن است شعله‌ور شود در حقیقت ترک‌ها اشتباه کردند آن‌ها با دستگیری اوجالان آتش را به خود نزدیک کردند اوجالان تنها نیست و محدود به ۵ هزار چریک داخل و ۳۵۰۰ چریک خارج از کشور نیست فقط در یک گردهمایی حزب پ.ک.ک در یک کشور اروپایی نزدیک به ۸۰ هزار نفر شرکت کردند و بعد از دستگیری وی واکنش تند گردهای داخل کشور ترکیه که منجر به حکومت نظامی در اکثر شهرها شد گواه این مدعا است.

۳. واکنش احتیاط‌آمیز و گاه اعتراض‌آمیز کشورهای منطقه نسبت به همکاری‌های نزدیک‌تر ترک‌ها با اسرائیلی‌ها این نگرانی در منطقه وجود دارد که اسرائیل کم‌کم ریشه بدواند بستن قرارداد با ترکیه که یکی از کشورهای مهم منطقه محسوب می‌شود موفقیت بزرگی برای خاخام‌هاست و طبیعی است که نگران‌زا باشد.

۴. واکنش گردهای منطقه نسبت به دستگیری اوجالان چه در عراق، سوریه و ایران علی‌رغم تفاوت بسیار در شرایط محیطی، اجتماعی و آرمانی شان نشان‌دهنده‌ی یک چیز بود «من درد مشترکم، مرا فریاد کن».

به‌هر حال اکنون اوجالان در مرمره است و شاید از آن‌چه که در جهان می‌گذرد کلمه‌ای نداند او اکنون با کشمکش مرگ و زندگی روبه‌روست جدای از تمامی معادلات سیاسی او هم انسانی است که رگ و پی دارد و نهایت توان مقاومت. ممکن است ترکیه مدعی باشد که اوجالان زیر فشار روحی و شکنجه‌ی جسمی نیست. ولی واقعیت‌های حاکم بر یک اسیر را فقط او می‌داند و برای همیشه پوشیده خواهد ماند ممکن است ترک‌ها برای کاری‌تر کردن ضربه‌ی روحی بر دشمن بخواهند چهره‌ی قهرمان حماسی‌شان را مخدوش کنند، تحقیرش سازند و بر صفحات تلویزیونی چهره‌ی شکست‌خورده‌ی وی را در حال اعتراف نشان دهند، اما همگان می‌دانند که این واقعیت جنگ است و تأثیرش کوتاه‌مدت و جز عمیق‌تر کردن کینه‌های دو ملت که در کنار هم می‌خواهند زندگی کنند، ثمری ندارد، معلوم نیست ژنرال‌ها عاقل‌تر باشند یا جاسوس‌ها یا سیاست‌مدارها ولی تا به حال نسیمی از تعقل از آن سوی، احساس نشده است. روزنامه‌ها نوشتند اوجالان آخرین چریک قرن، آخرین چریک قرن اگر اوجالان باشد نمی‌تواند بمیرد.